

بسم الله الرحمن الرحيم

روش و ضوابط تفسیر و ترجمه‌ی قرآن
از منظر امامان شافعی و شاطبی

خالدی، ابراهیم، ۱۳۴۱ -	:	شابک
روش و ضوابط تفسیر و ترجمه‌ی قرآن از منظر امام شافعی و شاطبی/ تالیف ابراهیم خالدی.	:	عنوان اصلی / پدیدآور
م. ریوان: امام ربانی، ۱۳۹۳.	:	مشخصات نشر
۶ ص. ۱۴/۵×۲۱ س.م.	:	مشخصات ظاهری
۹۷۸-۶۰۰-۶۹۶۲-۰۰۲	:	شابک
فیفا	:	وضعیت فهرست‌نویسی
تفسیر --	:	موضوع
شافعی، محمد بن ادیس، ۱۵۰-۲۰۴ق.---	:	موضوع
شاطبی، ابراهیم بن موسی، ۷۰۰ق.---	:	موضوع
تفاسیر اهل سنت -- قرن ۱۳ق.---	:	موضوع
تفاسیر اهل سنت -- قرن ۱۳ق.---	:	موضوع
قرآن -- ترجمه -- راهنمای آموزش	:	موضوع
BP۹۱/۵/خ۲۵۹۹ ۱۳۹۳	:	رده بندی کنگره
۲۹۷/۱۷۱	:	رده بندی دیویی
۳۷۳۰۹۳۹	:	شماره کتابشناسی ملی

ن آية زمنية و يفسق الحباوت و رشي

(ربانك و زهدك ن املما يلقنه ن)



انتشارات امام رباني

روش و ضوابط تفسير و ترجمه قرآن

از منظر امامان شافعی و شاطبی

روش و ضوابط تفسير و ترجمه قرآن...	نام کتاب:
امام خالدي	مؤلف:
اول: ۱۳۸۶	نوبت چاپ:
۱۰۰	تیراژ:
۸۰ صفحه ای	تعداد صفحات و قطع:
انتشارات امام رباني	ناشر:

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۶۲-۱۲-۲

ISBN: 978 - 600 - 6962 - 12 - 2

قیمت:

۲۰۰۰ تومان

فهرست

۶	مقدمه
۷	دو مقدمه
۷	مقدمه اول
۷	آن‌جا که طالب علم قرآنی واجب است
۹	مقدمه دوم
۴۹	وظیفه تفسیر اندایی
۵۴	مسئله‌ی اول
۵۵	مسئله دوم
۵۷	مثال دیگر
۵۸	مثال دیگر از رسومات جامعی
۶۸	چند نمونه از شیوه‌ها و اسلوب تفسیر
۷۰	روش ترجمه
۷۱	لغت عرب از جهت الفاظ و معانی دونوی

مقدمه:

در این مقدمه دو نکته حائز اهمیتند:

۱- وجه تسمیه کتاب

۲- هدف از این نوشتار

۱- وجه تسمیه کتاب از باب تغلیب است یعنی اکثر مطالب به طور مستقیم و غیرمستقیم از این دو امام بزرگوار است. هر چه واردی وجود دارد که دقیقاً نمی‌توان به صفحه‌ی مشخصی ارجاع داد یا این که کلماتی در یک مضمون آورده شده‌اند که انفکاک از آن صعب است مثلاً: در یکی از بندها سه نوع تسریع قرآنی بیان می‌گردد که یکی از آنها تسریع ابتدایی است که این کلمه مستقیماً از موافقات است و بقیه‌ی آن را نمی‌توان به آن نسبت داد.

۲- هدف از این نوشتار پرداختن به علوم قرآن نیست چون که اکثر مطالب علوم‌های قرآنی مستقیماً در تفسیر قرآن دخیل نیستند هر چند که به عنوان مقدمه و تار و خنجر و کتابت آن لازم است و در وجه تسمیه‌ی کتاب ذکر قبلاً شده که مستقیماً برای تفسیر به کار گرفته می‌شوند و نه شرح و بسط علوم قرآنی.

دو مقدمه

اولی از زبان امام شافعی رحمته الله
دومی از زبان امام شاطبی رحمته الله

مقدمه اول:

امام شافعی می‌فرماید: (۱)

هیچ حادثه‌ای برای اهل زمین رخ نمی‌دهد مگر این که در کتاب خداوند داریم برای راهنمایی و ارشاد برای آن حادثه وجود دارد.

یعنی قرآن راهنما و گره‌گشای تمام مشکلات و مایحتاج انسان می‌باشد و این اندیشه‌ی عمیق امام شافعی زمانی محقق می‌گردد که اسباب و ادوات این مهم وجود داشته باشد، ایشان خود این اسباب را بیان می‌کنند:

واجب است بر طالب علم قرآنی:

- ۱- بکارگیری تمام جهد و تلاش برای یادگیری علم قرآنی
- ۲- صبر و استقامت بر مشکلاتی که مانع طلب علم قرآن شود

۳- پاک کردن نیت برای خدا در درک و فهم علم قرآن چه به صورت نص^(۱) و چه استنباط.

۴- رغبت و شوق به خداوند در کمک‌گیری از او چون هیچ خیری کسب نمی‌شود مگر به توفیق و استعانت از او.

۵- به درستی کسی که علم احکام خداوند را در قرآن به صورت نص و استنباط، فهم و درک کرد و خداوند او را توفیق داد برای گفتن و عمل کردنش به آن چه که فهمید و دانست از علم قرآن، پس به فضیلت در دین و دنیایش رسیده و بیریز گشته و شک و گمان از او رسته و حکمت قلب او انورانی گردد و در دین به موقعیت و مقام امامت رسیده است.

۶- در جای دیگر رساله این گونه آمده است:

بر هر مسلمانی واجب است که با اندیشه‌ی وسع و جهدش زبان عربی را بفهمد تا این که بر اساس آن علم آگاهانه شهادت به الوهیت خداوند و نبوت پیامبر خاتم دنیا و آخرت و سیله‌ی آن علم و اندیشه کتاب خدا را تلاوت و مطالعه نماید.

۱- برای توضیح مصطلح نص و استنباط به اصول فقه مراجع شود.

از حضرت عایشه نقل است: به تحقیق تلاوت‌کننده قرآن و آگاه به مفاهیم آن برتر از همه انسان‌هاست. پس بر این اساس در هر مسئله‌ای اگر بخواهیم آن را به کامل‌ترین وجه ممکن درک کنیم باید به اصل قرآنی آن توجه کنیم.

در این نوشته‌ی مختصر که مجموعه‌ای از قواعد، گرا‌ها و روش‌ها بوده بیشتر از اقوال این دو بزرگوار استفاده شده است. اما استنباط از این مجموعه هر چند کم حجم ما را در جهت تدبیر مطلوب، یاری کند تا هر چه بهتر در مسیر عبودیت گام برداریم حال سخن خود را در مورد تفسیر و مسائل مربوط به آن آغاز می‌کنم. این مختصر دربردارنده این موضوعات می‌باشد:

۱- قواعد و ضوابط برای تفسیر

۲- انواع تفسیر و شیوه‌های مفسر دین

۳- ضوابط ترجمه و معنا

۱. آن چه که علمای سلف و خلف بر آن متفقند اشنایی با لغت عرب است اما این آشنایی هنگامی که در عالم تطبیق و عمل جلوه‌گر می‌شود دست خوش تفریعات و تعدد

فهم‌ها می‌گردد، اما آن چه که مسلم و بدیهی است و علمای بزرگ اسلام بر آن تاکید دارند آن است که علوم عربی باید از حالت بی‌روحی و عدم به کارگیری تطبیقی خارج شود و به صورت ذوق^(۱)، قریحه^(۲) و ملکه^(۳) برآید و به صورت خمیری در دست مفسر واقع شد تا اولاً از جهل نسبت به کلام خدا و رسولش در امان باشند، ثانیاً در هنگام تفسیر مشغول شدن به علوم و فنون عربی مانع فهم روحی و برینی کلام الله می‌شود و انسان مفسر را از جو و سیاق^(۴) آیات و سوره خارج می‌کند در حالی که هدف و غایت علوم و فنون عربی رسیدن به مقاصد دینی قرآنی و درک سالم و روان متون دینی است. نباید وسیله مانع هدف گردد در غیر این صورت فهم کلفانه را عاید خواننده‌اش خواهد کرد.

امام شاطبی در این مورد این‌گونه تبیین می‌کند: «اگر شخص نظرکننده در قرآن را نظر به آیات الهی، قسم اعلم توحه خود را معطوف به ادبیات عرب کند و در این راستا

۱- امام شافعی.
۲- رساله امام شافعی.

۱- دلائل الاعجاز.
۳- علماء بلاغه.

از حد تعادل تجاوز کند این شیوه انسان را از سبک و شیوه‌ی حسن و زیبا به سبک و شیوه‌ی قبیح و متکلفانه سوق می‌دهد و نمی‌توان علت دچار شدن شخص بدین حالت نامطلوب را در ضعف کلام عرب دانست، این تکلف، در فهم را ادبیات عرب نمی‌پذیرد پس به طریق اولی این نوع فهم شایسته قرآن نیست، اما در طرف مقابل شخص به کلام عرب در او به قریحه مبدل گشته فهم روانی از آیت قرآن بدست خواهد آورد، این فهم روان منجر به حرکت در جهت عبادت و عبودیت می‌شود چون که قرآن قطع‌کننده عذاب است، انذارکننده از عذاب، بشارت‌دهنده به رحمت رساننده از خشم و غضب الهی و برگرداننده انسان به سوی صراط مستقیم است.

«چقدر فرق است بین کسی که به معنای روان قرآن را بفهمد و یقین حاصل کند که مقصود آن معنای مفهوم است در نتیجه خوف و عید و رجاء موعود در آن حاصل گردد - تغییر و تحولات درونی در او رخ دهد - و پس از آن استیلا تلاش و کوشش را بالا زند و تمام توانایی و انرژی را در امور مورد رضایت الهی بکار بندد و از محرمات مورد خشم

الهی دوری گزینند و بین کسی که به آن فنون مشغول می‌شود و به فرع و تفریع و زیباکاری آن پرداخته، از مقاصد قرآنی و انذار و تبشیرها غافل می‌ماند و آن مفاهیم روان در جلبش رسوخ نکرده و از آنها غافل می‌شود در نتیجه منجر به تغییر و تحولات درونی نمی‌شود و آستین تلاش و جهاد را بالا نمی‌زند و به معنا و مفهوم بی‌روح و سطحیانه‌ای اکتفا کرده، آثار را منقطع از هم می‌بیند و مقاصد کلی را به دست فراموشی می‌سپارد» و به معانی که لایسمن و لایغنی من جوع است اکتفا می‌کند و توشه و زاد خود را همین برمی‌گیرد، و به بیج فادری در امور زندگی خویش نخواهد بود زیرا هنوز از وسیله به هدف و غایت نرسیده است و هنوز با کلیدی که در دست دارد درهای گنجینه قرآنی را باز نکرده است. در حالی که هر دو بر سره‌ی قرآن نشسته‌اند اما اختلاف آنها بین ثری و ثریا است.

«هر عاقلی می‌داند که مقصود و هدف خطاب قرآنی فقط فهم لفظ و عبارت نیست بلکه فهمیدن و دقت در معانی و مفهوم آن است» چرا که قرآن برای آن منظور و

هدف^(۱) و بیان مقصد و و روح نازل شده است و هیچ عاقلی در این شکی ندارد.

۲. به وسیله‌ی آن ذوق و فهم روان در آیات الهی تدبیر و اندیشه نماید و با آن‌ها انس و الفت گیرد و بتواند رطب و یابس زندگی خود را در آینه‌ی فهم قرآنی تماشا نماید و تراغ فیر و نشیب و تلاطمات بحر زندگیش باشد و بر اساس ضوابط و مطلوبات قرآن ملتزم به صراط مستقیم ﴿حَتَّىٰ يَبُوءَ الْآتِينَ﴾ باشد در غیر این صورت فهم ذهنی خشک بدون روح و حرکت دردی را درمان نمی‌کند و رحمت الهی نیز بر آن فرو نهد «چرا تدبیر نمی‌کنند یا این که بر قلوب آنها قفل‌هایی زده شده است»^(۲) «بخوان ای محمد بر مخاطبین خبر آن کسی که به او آگاهی داده بودیم اما از آن دوری گزید و مانند اسبی که علم آیات را از بدن خود بیرون آورد سپس شیطان به او رفت و دل به دنیا بست و از هوی و آرزوهای خود پیروی کرد»^(۳)

۱- هدایت است برای انسان سوره‌ی بقره.

۲- سوره‌ی محمد.

۳- موافقات ف جلد سوم بحث ادله.